

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۱)

رشته های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

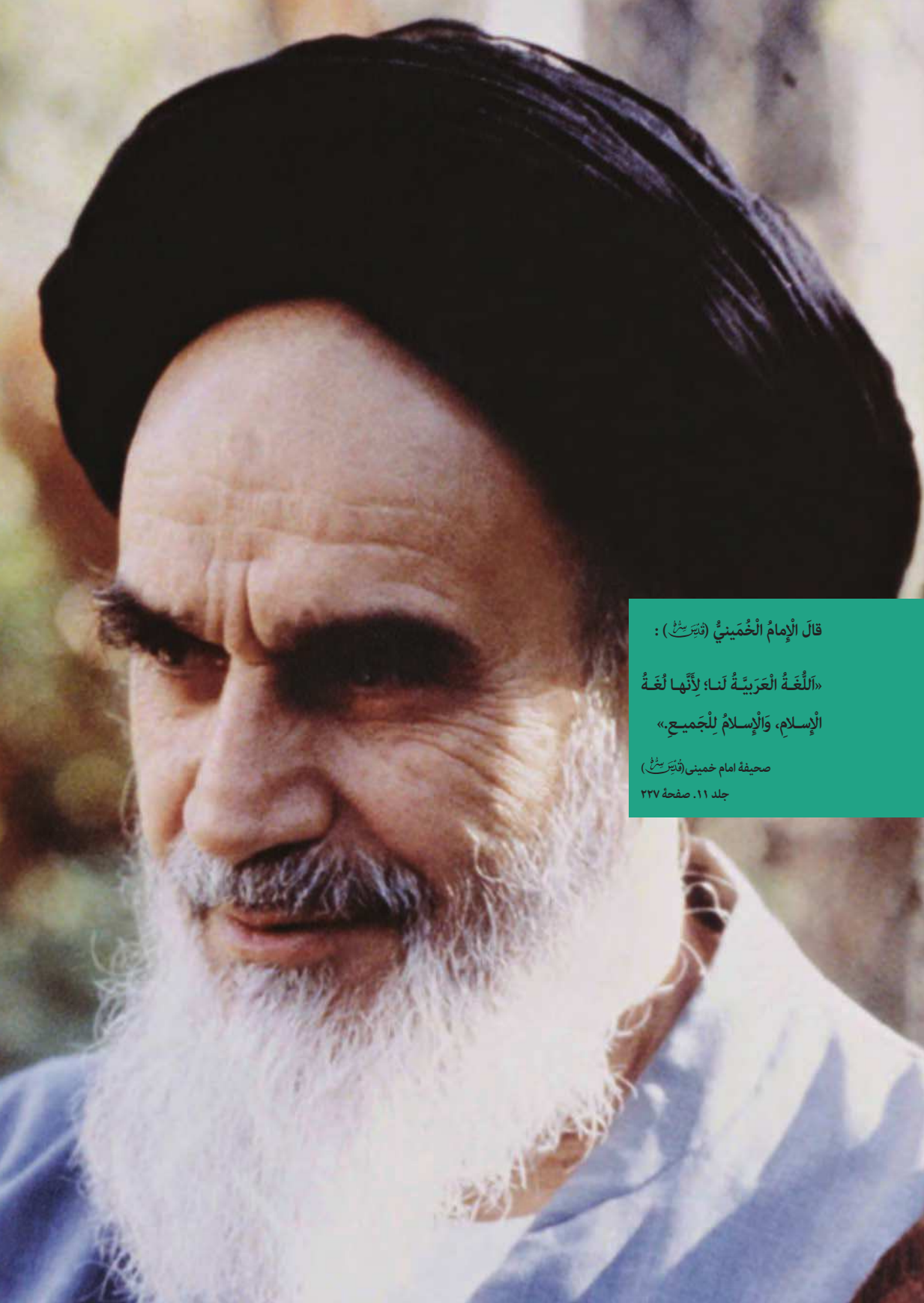


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری، سیدمهدی سیف و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اباذر عباچی، علی چراغی، محی‌الدین بهرام محمدیان و عادل اشکبوس (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکبوس (سرگروه تألیف) - سیداکبر میرجعفری (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (طراح گرافیک، طراح جلد و صفحه‌آرا) - محمد مهدی ذبیحی فرد، مراد فتاحی (تصویرگر) - علی نجمی، سیف‌الله بیک محمد دلپوند، فاطمه پزشکی، سپیده ملک ایزدی و ناهید خیام باشی (امور آماده‌سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۲۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- سال انتشار و نوبت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص» چاپ پنجم ۱۳۹۹

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۹۹-۲

ISBN: 978-964-05-2499-2



قال الإمام الخميني (قده س):

«اللغة العربية لنا؛ لأنها لغة

الإسلام، والإسلام للجميع.»

صحيفة امام خميني (قده س)

جلد ١١، صفحة ٢٢٧

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَلْفِهْرِس

■ بيشگفتار | الف |

■ أَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ | ١ |

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ + التَّعَارُفُ-----

■ أَلدَّرْسُ الثَّانِي | ١١ |

أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ + الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ + فِي مَطَارِ النَّجْفِ-----

■ أَلدَّرْسُ الثَّلَاثُ | ٢٣ |

مَطَرُ السَّمَكِ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١) + فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ-----

■ أَلدَّرْسُ الرَّابِعُ | ٣٥ |

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (٢) + فِي صَالَةِ التَّفْتِيْشِ-----

■ أَلدَّرْسُ الْخَامِسُ | ٤٧ |

﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾ + الْجَمَلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَ الْاسْمِيَّةُ + مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ-----

■ أَلدَّرْسُ السَّادِسُ | ٦١ |

ذَوَالْقَرْنَيْنِ + أَلْفِعْلُ الْمَجْهُوْلُ + مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِيقْبَالِ الْفُنْدُقِ-----

■ أَلدَّرْسُ السَّابِعُ | ٧٣ |

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ + أَلْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ وَ نَوْنُ الْوَقَابَةِ + مَعَ مُشْرِفِ

خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ-----

■ أَلدَّرْسُ الثَّمَانُ | ٨٩ |

صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ + اِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اِسْمُ الْمُبَالَغَةِ +

شِرَاءُ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ-----

پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد؛
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد؛
۳. کتاب معلّم و نرم‌افزار «بر فراز آسمان» ویژه آموزش معلّمان را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی، زبان قرآن (۱)» ویژه پایه دهم رشته‌های غیر «ادبیات و علوم انسانی» به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده‌شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجه به مصوّبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب ۳۶۳ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن نزدیک به ۸۵۰ واژه کتاب‌های عربی هفتم، هشتم و نهم نیز در کتاب دهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. ۵۵۲ واژه از ۸۵۰ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در سه کتاب دوره دوم متوسطه نیز چنین خواهد شد.

هدف اصلی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی؛ مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

(رعایت این تأکیدات در کنکور و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله بخشنامه رسمی است.)

۱. کتاب عربی پایه دهم در هشت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. این مقدار زمان در مجموع برای تدریس کل کتاب در طول سال کفایت می‌کند.

۲. دانش‌آموز پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعال‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوکِنَّ الصَّغِيرُ»، وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی.

هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزیز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است. در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۳. درس اول دوره آموخته‌های پیشین است و در هفت درس دیگر نیز این مرور انجام شده است.

۴. در درس دوم عددها آموزش داده می‌شود. در دوره اول متوسطه عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و محدود و ویژگی‌های محدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

۵. دانش‌آموزان در دورهٔ اوّل متوسطه با فعل‌های مجرد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند و در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید، مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمَنَ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، أَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَذَرَ، زَادَ و ... هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اوّل با فعل‌هایی آشنا شوند که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد و مزید و ذکر نوع باب و صیغهٔ فعل از اهداف آموزشی نیست. **فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییرات پیچیدهٔ صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعل «استفاد» به کار رفته و فعل استفعال نیز آموزش داده شده است؛ از فعل اِسْتَفَادَ سؤال طرح نمی‌شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَفَادَتَ را در جمله بخواهیم، اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَفَادَ ندارد.** در بخش واژه‌نامه در انتهای کتاب مضارع و مصدر فعل‌های ماضی ثلاثی مزید نوشته شده است تا دانش‌آموز کم این فعل‌ها را بشناسد.

۶. در درس پنجم جملهٔ اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اِعراب کلمات هدف نیست. کتاب کاملاً حرکت‌گذاری شده است تا دانش‌آموز با خواندن متون و عبارات ذوق پیدا کند و به تدریج با اِعراب کلمات آشنا شود.

۷. در درس ششم فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جملهٔ دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست. ۸. در درس هفتم معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله درست تشخیص داده و ترجمه کند.

۹. در درس هشتم مهم‌ترین وزن‌های اسم‌های مشتق تدریس می‌شود. فقط شناخت نوع آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. تشخیص جامد از مشتق و ساختن اسم مشتق از فعل ارائه شده هدف کتاب نیست.

۱۰. نیازی به ارائهٔ جزوهٔ مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۱. پژوهش‌های هر درس، نمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان‌نویسی، کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود.

۱۲. تحلیل صرفی و اِعراب، تعریب، تشکیل و اِعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۳. آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطهٔ اوّل بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این گونه بود: «هَوَ، هُمَا، هُم، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتُنَّ، أَنَا، نَحْنُ».

شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند.

۱۴. تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۵. معنای کلمات در امتحان در جمله خواسته می‌شود.

۱۶. در بخش أنوار القرآن فقط معنای کلماتی مدّ نظر است که به شکل «جای خالی»، «زیرخط‌دار» یا «دو گزینه‌ای» طراحی شده است. به عبارت دیگر معنای سایر کلمات، هدف نیست. ضمناً این بخش برای کار در منزل است و دبیر فقط در صورت داشتن وقت می‌تواند در کلاس کار کند؛ اما در هر حال در امتحان از آن سؤال طرح می‌شود.

۱۷. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمرهٔ شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۸. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۹. از طریق وبگاه دفتر تألیف می‌توان با نحوهٔ تهیهٔ کتاب معلّم، نرم‌افزار بر فراز آسمان، بارم‌بندی و نمونه سؤال استاندارد آشنا شد. همچنین در شبکهٔ ملی مدارس (رشد) اطلاعات سودمند بسیاری را می‌توان به دست آورد.

۲۰. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از دورهٔ اوّل متوسطه به دورهٔ دوم متوسطه آمده‌اند.

www.arabic-dept.talif.sch.ir

نشانی وبگاه گروه عربی:

سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث و دعاست؛ زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی کامل، پرمعنا و قوی است؛ ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایه تحصیلی تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید. ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الأنعام: ١

ستایش از آن خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و

تاریکیها و روشنائی را بنهاد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرُ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَهُ
 كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ
 فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي
 ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضِرَهُ
 وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ
 يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَهُ



وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي
 فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا
 مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا
 جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَهُ
 حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ
 فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَهُ



ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي
 ذُو حِكْمَةٍ بِالِغَةِ
 أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مَرَهُ
 وَ قُدْرَةَ مُقْتَدِرَهُ

١- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّضَايِيِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمُّ تُرْكَمَانِيَّةٌ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشُّعْرِ.



أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ
وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ
أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ
كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرِهِ



وَأَنْظُرْ إِلَى الْعَيْمِ فَمَنْ
أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

مُسْتَعْرَة: فروزان

مُنْهَمِرَة: ریزان

نَضْرَة: تر و تازه

نَمَتْ: رشد کرد «مؤنثِ نَمَا»

يُخْرِجُ: در می آورد

ذات: دارای

ذَاكَ: آن

ذو: دارای

زَانَ: زینت داد

شَرَرَة: اخگر (پاره آتش)

ضیاء: روشنایی

غُصُون: شاخه‌ها «مفرد: غُصْن»

عَيْم: ابر

قُلْ: بگو

أَنْجُم: ستارگان «مفرد: نَجْم»

أَنْزَلَ: نازل کرد

أَنْعَم: نعمت‌ها

أَوْجَدَ: پدید آورد

بَالِغ: کامل

جَدْوَة: پاره آتش

دُرْر: مرواریدها (مفرد: دُر)

ذَا: این ← هَذَا

«مَنْ ذَا: این کیست؟»

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار

(التعارف^۱ في مطار النجف الأشرف)

أحد الموظفين في قاعة المطار ^۲	زائر مرقد أمير المؤمنين عليّ <small>عليه السلام</small>
و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته.	السلام عليكم.
صباح النور و السور.	صباح الخير يا أخي.
أنا بخير، و كيف أنت؟	كيف حالك؟
عفوًا، من أين أنت؟	بخير و الحمد لله.
ما اسمك الكريم؟	أنا من الجمهورية الإسلامية الإيرانية.
اسمي عبد الرحمن.	اسمي حسين و ما اسمك الكريم؟
لا، مع الأسف. لكنني أحب أن أسافر ^۳ .	هل سافرت إلى إيران حتى الآن؟
إن شاء الله؛ إلى اللقاء؛ مع السلامة.	إن شاء الله تسافر إلى إيران!
في أمان الله و حفظه، يا حبيبي.	في أمان الله.



۱- تعارف: آشنایی ۲- قاعة: سالن ۳- مطار: فرودگاه ۴- مع الأسف: متأسفانه ۵- أن أسافر: که سفر کنم

إِعْلَمُوا

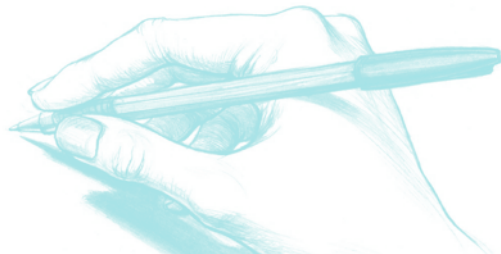
صِيغُ الْأَفْعَالِ

نهی	امر	مضارع	ماضی	ضمیر	نام صیغه به فارسی ^۱	
		أَفْعَلُ	فَعَلْتُ	أنا	من	اول شخص مفرد
		تَفَعَّلُ	فَعَلْتِ	أنتِ	تو	دوم شخص مفرد
لا تَفَعَّلْ	اِفْعَلْ	تَفَعَّلِي	فَعَلْتِ	أنتِ		
		يَفْعَلُ	فَعَلَ	هو	او	سوم شخص مفرد
		تَفَعَّلُ	فَعَلَتْ	هي		
		نَفْعَلُ	فَعَلْنَا	نحن	ما	اول شخص جمع
		تَفَعَّلُونَ	فَعَلْتُمْ	أنتم	شما	دوم شخص جمع
لا تَفَعَّلُوا	اِفْعَلُوا	تَفَعَّلِي	فَعَلْتُمْ	أنتم		
		تَفَعَّلَانِ	فَعَلْتُمَا	أنتما		
		تَفَعَّلَانِ	فَعَلْتُمَا	أنتما		
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	هم	ایشان	سوم شخص جمع
		يَفْعَلْنَ	فَعَلْنَ	هنَّ		
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	هُمَا		
		تَفَعَّلَانِ	فَعَلْتَا	هُمَا		

۱- ارزشیابی از نام صیغه به صورت اول شخص مفرد، مفرد مذکر غایب یا للغائب از اهداف کتاب درسی نیست؛ لذا در امتحانات و کنکور از آن سؤال طرح نمی‌شود.

التَّمرينُ الأوَّلُ: تَرجمْ! هذِهِ الجُمَلُ، واكْتُبْ نواعَ الأفعالِ.

<input type="text"/>	لا تَكْتُبُ عَلَى الجِدَارِ:	<input type="text"/>	اَكْتُبْ رِسالَتَكَ:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
<input type="text"/>	هُنَّ لا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:	<input type="text"/>	اَكْتُبُوا واجِبَاتِكُمْ:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
<input type="text"/>	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحاثًا:	<input type="text"/>	سَأَكْتُبُ دَرَسِي:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	
<input type="text"/>	كانوا يَكْتُبُونَ بِدِقَّةٍ:	<input type="text"/>	ما كَتَبْتُمْ تَمارينَكُم:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	



التَّمرينُ الثَّاني: صَعِّ في الدَّائِرَةِ العَدَدَ المُناسبِ. «كَلِمَةٌ واحِدَةٌ زائِدَةٌ.»

- ١- الشَّرَرَةُ ○ مَنَ الأَحجارِ الجَمِيلَةِ الغالِيَةِ ذاتِ اللَوْنِ الأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ ○ جَذَوْتُها مُسْتَعِرَّةٌ، فيها ضِياءٌ وَ بها حَرارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- القَمَرُ ○ كَوَكَبٌ يَدورُ^٢ حَولَ الأَرْضِ؛ ضِياؤُهُ مِنا الشَّمسِ.
- ٤- الأَنعَمُ ○ بُخارٌ مُتراكِمٌ في السَّماءِ يَنزِلُ مِنْهُ المَطَرُ.
- ٥- العَيمُ ○ مِنا المَلايِسِ النِّسائِيَّةِ ذاتِ الأَلوانِ المُخْتَلَفَةِ.
- ٦- الفُستانُ ○ قِطَعَةٌ مِنا النِّارِ.
- ٧- الدَّرَرُ

التَّمرينُ الثَّالثُ: صَعِّ هُذِهِ الجُمَلِ وَ التَّراكيبِ في مَكانِها المُناسبِ.

هُولاءِ فائِزاتُ / هُذانِ الدَّليلانِ / تلكِ البَطَّارِيَّةُ / أولئِكَ الصَّالِحونَ / هُؤلاءِ الأَصْدِقاءُ / هاتانِ زُجَاجَتانِ

مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث
جمع مكسر	جمع مؤنث سام	جمع مذكر سام

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

١- ناصِر، مَنْصُور، أَنْصَار:

٢- صَبَّار، صَبُور، صَابِر :

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّحِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضياءَ / نامَ / ناجِحَ / مسرورَ / قَريبَ / جَميلَ / نِهايَةَ / يَمينَ / غاليَةَ / شِراءَ / مَسْموحَ / مُجِدِّ

..... ≠ رَخيصة ≠ راسِب ≠ يَسار
..... ≠ بَيْع ≠ بَدَايَة ≠ بَعيد
..... = رَقَدَ ≠ قَبيح = نور
..... ≠ حَزين = مُجْتَهد ≠ مَمْنوع

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: أَرْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ

١- فَرَاغ: جاي خالی

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرِنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظْمَةِ
مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.

جبال كبركوه في مَدِينَةِ بَدْرَةَ بِمُحَافَظَةِ إِيلَام



﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

آلِ عِمْرَانَ: ١٩١

١- مُسْتَعِينًا بِ: بِاسْتِفَادَةِ

الدَّرْسُ الثَّانِي



قال رسول الله ﷺ :

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.

ساعتي اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿ سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَيْرًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَّثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. ﴾

﴿ جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةَ جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخُمُ الْخَلْقُ. ﴾

﴿ إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ، كُلُوا جَمِيعًا وَلَا تَفْرَقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَتَ مَعَ الْجَمَاعَةِ. ﴾

﴿ إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ. ﴾

﴿ مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. ﴾

﴿ أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌ كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالنَّارُ. ﴾

﴿ الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. ﴾

أَجْرِي: جاری کرد

أَخْلَصَ: مُخْلِصٌ شَد

أَمْسَكَ: به دست گرفت و نگه داشت

بَنَى: ساخت

عَلَّمَ: یاد داد

عَرَسَ: کاشت

كَلُوا: بخورید

لَا تَتَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید

مَثَّةٌ: صد

وَرَثَ: به ارث گذاشت

يَتَرَاكَمُ الْخَلْقُ: آفریدگان به هم

مهربانی می کنند

يَجْرِي: جاری است ، جاری می شود

يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد

يَكْفِي: بس است

يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ: برای دو نفر

بس است

يُنَابِعُ: جوی های پر آب، چشمه ها

«مفرد: يَنْبُوع»

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

x ✓

١- يَجْرِي أَجْرٌ حَفْرُ الْبَيْرِ لِلْعَبْدِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ.

٢- أَنْزَلَ اللَّهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ.

٣- يَجْرِي أَجْرٌ اسْتِغْفَارِ الْوَالِدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.

٤- إِنَّ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ لَا يَكْفِي الثَّلَاثَةَ.

اعلموا الأعداد من واحد إلى مئة

الأعداد الأصليَّة (واحد إلى عشرين)		الأعداد الترتيبية (الأول إلى العشرين)	
واحد ١	أحد عشر ١١	الأول ١م	أحدادي عشر ١١م
إثنان ٢	إثنا عشر ١٢	الثاني ٢م	الثاني عشر ١٢م
ثلاثة ٣	ثلاثة عشر ١٣	الثالث ٣م	الثالث عشر ١٣م
أربعة ٤	أربعة عشر ١٤	الرابع ٤م	الرابع عشر ١٤م
خمسة ٥	خمسة عشر ١٥	الخامس ٥م	الخامس عشر ١٥م
ستة ٦	ستة عشر ١٦	السادس ٦م	السادس عشر ١٦م
سبعة ٧	سبعة عشر ١٧	السابع ٧م	السابع عشر ١٧م
ثمانية ٨	ثمانية عشر ١٨	الثامن ٨م	الثامن عشر ١٨م
تسعة ٩	تسعة عشر ١٩	التاسع ٩م	التاسع عشر ١٩م
عشرة ١٠	عشرون ٢٠	العاشر ١٠م	العشرون ٢٠م

- ١- به کلمات «رجال» و «گوکبأ» در «خمسة رجال» و «أحد عشر گوكبأ» معدود گفته می شود.
- ٢- گاهی عددهای ثلاثة تا عشرة بدون «ة» می آیند؛ مثال: ثلاث و ثلاثة؛ أربع و أربعة.
- ٣- «مئة» به معنای «صد» به صورت «مائة» نیز نوشته می شود.
- ٤- عددهای عشرون، ثلاثون، أربعون ... و تسعون به صورت عشرين، ثلاثين، أربعين ... و تسعين نیز می آیند.
- ٥- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می آید؛ مثال: خمسة و عشرون یعنی بیست و پنج.

١- دانستن قواعد معدود از اهداف کتاب نیست.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ﴿الأعراف: ١٤٢﴾

سَبْعِينَ رَجُلًا ﴿الأعراف: ١٥٥﴾

سَبْعَةُ أَبْوَابٍ ﴿الحجر: ٤٤﴾

سِتِّينَ مَسْكِينًا ﴿المجادلة: ٤﴾

سِتَّةَ أَيَّامٍ ﴿ق: ٣٨﴾

مِئَةَ حَبَّةٍ ﴿البقرة: ٢٦١﴾

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار (في مطار النجف الأشرف)

سائح من الكويت	سائح ^۱ من إيران
وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
مَسَاءَ النُّورِ يَا عَزِيزِي.	مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.
لا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَ أَنْتَ مِنَ بَاكِسْتَانِ؟	هَلْ حَضَرْتُكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟
جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتُ أَنْتَ؟	لا؛ أَنَا إِيرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتُ لِلزِّيَارَةِ؟
كَمْ عُمْرِكَ؟	أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟	عُمُرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.
ما أَجْمَلُ ^۲ غاباتِ مازندران وَ طَبِيعَتِهَا!	أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جُوِيَارِ فِي مُحَافَظَةِ مازندران.
نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرُّضَا، ثَامِنِ أُمَّتِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.	هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيرَانَ مِنْ قَبْلُ؟!
إِنَّ إِيرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَ الشَّعْبُ ^۳ الْإِيرَانِيُّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ ^۴ .	كَيْفَ وَجَدْتَ إِيرَانَ؟



۱- سائح: گردشگر ۲- ما أَجْمَلُ: چه زیباست! ۳- شَعْبُ: ملت ۴- مِضْيَافٌ: مهمان‌دوست

التمرين الأول: اكتب العمليات الحسابية التالية كالمثال.

(+ زائد^١) (- ناقص^٢) (÷ تقسيم على) (× في، ضرب في)

١- عشرة^٣ في ثلاثة يساوي^٤ ثلاثين. $10 \times 3 = 30$

٢- تسعون ناقص عشرة يساوي ثمانين.

٣- مئة تقسيم على خمسة يساوي عشرين.

٤- ستة في أحد عشر يساوي ستة وستين.

٥- خمسة وسبعون زائد خمسة وعشرين يساوي مئة.

٦- اثنان وثمانون تقسيم على اثنين يساوي واحداً وأربعين.

التمرين الثاني: اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً.

١- اليوم ال من أيام الأسبوع يوم الأحد.

٢- اليوم ال من أيام الأسبوع يوم الخميس.

٣- الفصل ال في السنة الإيرانية فصل الشتاء.

٤- الفصل ال في السنة الإيرانية فصل الخريف.

٥- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز ال جائزة فضية.

٣- برای اختصار کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می شود.

١- زائد: به علاوه ٢- ناقص: منهای

٤- يساوي: مساوی است

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغَاتِ اَعْدَادًا مُنَاسِبَةً.

مِنْ وَاحِدٍ إِلَى ثَلَاثِينَ				
.....	أَرْبَعَةٌ	ثَلَاثَةٌ	وَاحِدٌ
عَشْرَةٌ	تِسْعَةٌ	سَبْعَةٌ
.....	أَرْبَعَةَ عَشَرَ	ثَلَاثَةَ عَشَرَ	أَحَدَ عَشَرَ
عِشْرُونَ	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ	سَبْعَةَ عَشَرَ
.....	أَرْبَعَةَ وَعِشْرُونَ	إِثْنَانِ وَعِشْرُونَ	وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ
ثَلَاثُونَ	ثَمَانِيَةَ وَعِشْرُونَ	سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ

مِنْ عِشْرِينَ إِلَى تِسْعِينَ			
خَمْسُونَ	أَرْبَعُونَ	عِشْرُونَ
تِسْعُونَ	سَبْعُونَ

التَّمْرَيْنِ الرَّابِعِ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ.»

عَشْرُ / مِئَةٌ / خَمْسُ / عِشْرِينَ / خَمْسِينَ / ثَلَاثَةٌ

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا^١ نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ^٢ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عامًا﴾ العنكبوت: ١٤
٩٥٠ سال

٢- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ أمثالها﴾ الأنعام: ١٦٠

٣- الصَّبْرُ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمُعْصِيَةِ.
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- علامات المؤمن الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ
الْمُصِيبَةِ، وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْعُصْبِ وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ. الإمام السَّجَّادُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ؑ

١- أرسلنا: فرستاديم ٢- لبث: درنگ كرد ٣- جاء ب: آورد ٤- حلم: بردباری



التمرين الخامس: تَرجمِ العِبْرَاتِ التَّالِيَةَ. هَل تَعَلَّمُ أَنْ ...

١- ... الكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ^١ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةٍ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟

٢- ... النَّمْلَةَ^٢ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ^٣ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟

٣- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

٤- ... الْعُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ؟

٥- ... طَوَّلَ قَامَةَ الزَّرَافَةِ سِتَّةَ أَمْتَارٍ؟ (أمتار: جمع متر)



التمرين السادس: اكتبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.

١- أَحَادِيَّةَ عَشْرَةَ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ.

٢- أَلْسَابِعَهُ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً.

٣- الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا.

٤- أَلْسَادِسَهُ إِلَّا رُبْعًا.

٥- أَلْخَامِسَةَ وَ النِّصْفَ.

.....

.....

.....

.....

.....

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ طه: ۲۵ إلى ۲۸

پروردگارا را برایم بگشای و کارم را آسان گردان و
گره از بگشا [تا] سخنم را بفهمند.

۲- ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
البقرة: ۲۰۱

ای پروردگارِ ما، در دنیا به ما نیکی و [نیز] نیکی بده و ما را از
عذابِ نگاه دار.

۳- ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ
عِنْدَ اللَّهِ﴾ البقرة: ۱۱۰

و را برای دارید و زکات بدهید و هرچه را از کار نیک برای
..... پیش بفرستید، خدا می یابید.

۴- ﴿رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ﴾ البقرة: ۲۵۰

پروردگارا صبر عطا کن و استوار کن و ما را بر
مردم کافر

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِنِحْتُ عَنْ آيَةٍ وَاحِدَةٍ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ حَدِيثٍ وَاحِدٍ فِي نَهْجِ الْفَصَاحَةِ فِيهِمَا
عَدَدٌ عَلَى حَسَبِ ذَوْقِكَ.



﴿فَافْرَوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾
الْمَزْمَل: ٢٠

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرُّوم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و [بادها] ابری را

برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابری] را در آسمان می‌گستراند.

مَطَرُ السَّمَكِ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ
وَ النَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمِنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ
ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا فَاَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتِ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِرُ أَسْمَاكَ.
يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ
طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.



تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيَلْحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً
وَرَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطْرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الأَرْضُ
مَفْرُوشَةً بِالأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.



حَاوَلَ العُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ العَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِزِيَارَةِ المَكَانِ وَ
التَّعَرُّفِ عَلَى الأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الأمطارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ
أَكْثَرَ الأَسْمَاكِ المُنْتَشِرَةِ عَلَى الأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الغَرِيبَ فِي الأمرِ أَنَّ الأَسْمَاكِ
لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالمِيَاهِ المُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ المُحِيطِ الأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِئَتَيْ
كِيلومترٍ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الأَسْمَاكِ.

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الأَسْمَاكِ إِلَى
السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ.
يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الهِنْدوراسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ».

ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: طَوَاهِر»	التَّعَرُّفُ عَلَيَّ: شناختن	أَثَارَ: برانگیخت
فِلمٌ: فیلم «جمع: أَفلام»	تَلُجٌ: برف، یخ «جمع: تُلُوج»	إِحْتَفَلٌ: جشن گرفت
لَا حَظَّ: ملاحظه کرد	حَسَنًا: بسیار خوب	أَصْبَحَ: شد
الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيُّ: اقیانوس اطلس	حَيْرَ: حیران کرد	إِعْصَارٌ: گردباد
مَفْرُوشٌ: پوشیده، فرش شده	سَحَبٌ: کشید	أَمْرِيكَا الْوُسطَى: آمریکای مرکزی
مِهْرَجَانٌ: جشنواره	سَمَى: نامید	أَمَطَرٌ: باران بارید
نُزُولٌ: پایین آمدن، بارش	سَوْدَاءٌ: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بَسَطَ: گستراند
	سَنَوِيٌّ: سالانه	بَعُدَ: دور شد
	صَدَّقَ: باور کرد	تَرَى: می بینی، ببینی
	حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد

x ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

إِعْلَمُوا

أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١)

فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» به دو گروه تقسیم می‌شود.

گروه اول: فعل‌هایی که فقط از حروف اصلی تشکیل می‌شود.

گروه دوم: فعل‌هایی که علاوه بر حروف اصلی، حروف زائد دارد.^۱

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که در متوسطه اول با آن آشنا شدید از سه حرف اصلی تشکیل می‌شد؛ مانند خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها نیز بیشتر از سه حرف است؛ مانند اِسْتَحْرَجَ، اِعْتَرَفَ، اِنْقَطَعَ و تَشَكَّرَ؛ در کتاب‌های عربی متوسطه اول تا حدودی با چنین فعل‌هایی آشنا شده بودید.

اکنون با فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، بیشتر آشنا شوید.

الْمَصْدَرُ ^۲	الْأَمْرُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي
اِسْتِفْعَالُ	اِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعَلَ
اِفْتِعَالُ	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ
اِنْفِعَالُ	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ
تَفْعُلُ	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ

۱- تدریس مبحث ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید از اهداف آموزشی کتاب درسی نیست؛ لذا در امتحانات و کنکور سؤالی از آن طرح نمی‌شود.

۲- دانش‌آموز باید وزن فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
إِسْتَرْجَع: پس گرفتن	إِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت
إِسْتَعْلَمَ: کار کردن	إِسْتَعْلَمْ: کار کن	يَسْتَعْلَمُ: کار می‌کند	إِسْتَعْلَمَ: کار کرد
إِنْفَتَحَ: باز شدن	إِنْفَتِحْ: باز شو	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	إِنْفَتَحَ: باز شد
تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شدن	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد

إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

يَسْتَغْفِرُ:	إِسْتَغْفَرَ:	مضارع	ماضي
إِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن	إِسْتَعْفَرُ:	مصدر	امر
يَعْتَذِرُ:	إِعْتَذَرَ:	مضارع	ماضي
إِعْتِذَارُ: پوزش خواستن	إِعْتَذِرُ:	مصدر	امر
يَنْقَطِعُ:	إِنْقَطَعَ:	مضارع	ماضي
إِنْقِطَاعُ: بریده شدن	إِنْقَطِعُ:	مصدر	امر
يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:	مضارع	ماضي
تَكَلُّمُ: سخن گفتن	تَكَلَّمُ:	مصدر	امر

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار

(في قِسمِ الْجَوَازَاتِ^١ فِي الْمَطَارِ)

شُرطِي إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ	الْمُسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟	نَحْنُ مِنْ إِيرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُل.
مَرَحَبًا بِكُمْ ^٢ . شَرَفْتُمُونَا ^٣ .	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.
مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!	أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.
كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ ^٤ ؟	سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ ^٥ .
أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بِلِطَاقَاتٍ ^٦ الدُّخُولِ؟	نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.
الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِيسَارِ لِتَلْتَفِيشِ ^٧ .	عَلَى عَيْنِي.
رَجَاءً؛ إِجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	نَحْنُ جَاهِزُونَ ^٨ .



١- جواز: گذرنامه ٢- مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ٣- شَرَفْتُمُونَا: مشرف فرمودید ٤- مُرَافِق: همراه ٥- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادر، دو خواهرم و دو برادرم ٦- بِلِطَاقَة: کارت، بلیت ٧- تَلْتَفِيش: بازرسی ٨- جَاهِزُونَ: آماده

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ x

- ١- الْمَهْرَجَانُ اخْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلامِ.
- ٢- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَط.
- ٣- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالتُّورُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.
- ٤- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.
- ٥- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَنْقَطِعُ»: انْقَطَعَ قَطَعَ تَقَطَّعَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ»: يُرَاجِعُ يَرْجِعُ يَسْتَرْجِعُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: اسْتِعْلَامٌ تَعَلَّمَ تَعْلِيمٌ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «نَسْتَمِعُ»: اسْتَمِعْ تَسْمَعْ اسْمَعْ
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُ»: مَا اخْتَفَلْ لَا تَحْتَفِلْ لَا تَحْتَفِلْ
- ٦- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَبْتَسِمُ»: سَيَبْتَسِمُ ابْتَسَامٌ ابْتَسِمَ

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

۱- ﴿فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ آل عمران: ۱۳۵

۲- ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ يونس: ۲۰

۳- ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ...﴾ الْمَزْمَل: ۱۰

۴- النَّاسُ نِيَامٌ^۱؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا^۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ^۳ وَ الْبِهَائِمِ^۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث پیامبر اسلام ﷺ

۱- نیام: خفتگان

۲- انْتَبَهَوْا: بیدار شدند (بیدار شوند)

۳- بَقَاع: قطعه‌های زمین (مفرد: بُقْعَة)

۴- بَهَائِم: چارپایان

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- | | | |
|-----------------|-----------------------|---|
| 1- الْمَسْجِدُ | <input type="radio"/> | يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ. |
| 2- الْمِشْمِشُ | <input type="radio"/> | عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ. |
| 3- الْيَنْبُوعُ | <input type="radio"/> | فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا. |
| 4- الْمَوْتُ | <input type="radio"/> | بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ. |
| 5- اللَّيْلُ | <input type="radio"/> | الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ. |
| 6- الصَّفُّ | | |

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / مِهْرَجَانَ / نَزُولَ

/ / / /

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

- | | | |
|-----------------------|-----------------------|--|
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | 1- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ..... لِدُنْيَاكَ﴾ غَافِرٌ: ٥٥ |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | 2- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ..... كُنَّا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | 3- إِلَهِي قَدْ..... رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ رَجَائِي. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | 4- كَانَ صَدِيقِي..... وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | 5- أَنَا وَ زَمِيلِي..... رَسَائِلَ عَبْرٍ ^١ الْإِنْتِرْنِتِ. |

إِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبِئْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف: ۸۷

و از رحمت خدا ناامید نشوید نشدند ؛ زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت خدا ناامید نشده است نمی‌شود .

۲- ﴿أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ آل‌حل: ۱۲۵

با دانش و فرمان اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که خوب بهتر است گفت‌وگو کن.

۳- ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي﴾ الْبَقَرَة: ۱۵۲

پس ما را مرا یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید شکرگزاری کنید .

۴- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

خدا به کسی جز به اندازه توانش درخواستش تکلیف نمی‌دهد؛

۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ الْبَقَرَة: ۲۸۶

هرکس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش زیانش است، و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده، به سودش زیانش است.



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَن قِصَّةِ فُرْأْنِيَّةِ فَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتِرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ الْأَنْبِيَاءُ : ٩٢
بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس
مرا پرستید.

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛
فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ
عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾^١ فَصَّلَتْ: ٣٤

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسُبُّوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهَوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾^٢ الْأَنْعَامُ: ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ
أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً﴾ آلْ عِمْرَانَ: ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةَ: ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ
أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً، مَعَ اخْتِنَافِ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ
﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّؤْمِ: ٣٢

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَاتِ: ١٣

١- و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی
هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

٢- کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند ...

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ.

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ١٠٣

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ حُمُسٌ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ قُدَّسَ سِرُّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِيقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ. وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

سَوَاءٌ : يكسان	حُرِّيَّةٌ : آزادی	أَتَقَى : پرهیزگارترین
عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ : در گذر زمان	حَمِيمٌ : گرم و صمیمی	إِحْتِفَافٌ : نگاه داشتن
عَمِيلٌ : مزدور «جمع: عُمَّاء»	خِلَافٌ : اختلاف	إِسَاءَةٌ : بدی کردن
لَدَى : نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»	حُمْسٌ : یک پنجم	أَشْرَكَ : شریک قرار داد
مَعَ بَعْضٍ : با همدیگر	دَعَا : فرا خواند، دعا کرد	إِعْتَصَمَ : چنگ زد (با دست گرفت)
مِنْ دُونِ اللَّهِ : به جای خدا، به غیر خدا	«يَدْعُونَ: فرا می خوانند»	أَكْرَمٌ : گرامی ترین
يَتَجَلَّى: جلوه گر می شود	دَكَرٌ : مرد، نر	أُنْثَى : زن، ماده
يَجُوزُ : جایز است	فَرِحٌ : شاد	أَلَا : که نه ... أَلَا نَعْبُدُ : که نه پرستیم
يَسْتَوِي: برابر می شود	فَرَّقَ : پراکنده ساخت	تَعَارَفَ : یکدیگر را شناختن
يُؤَكِّدُ : تأکید می کند	قَائِدٌ : رهبر «جمع: قَادَة»	«لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید»
	قَائِمٌ : استوار، ایستاده	تَعَايَشَ : همزیستی داشت
	سَبَّ : دشنام داد	حَبَلٌ : طناب «جمع: حِبَال»
	سَلَمِيٌّ : مُسَالَمَتِ آمِيز	
	«سَلِمٌ: صلح»	

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. ✓ x

- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللُّوْنِ.
- ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

اعلموا

أشكال الأفعال (۲)

در درس گذشته با چند فعل، که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید. اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
تفاعل	تفاعل	يتفاعل	تفاعل
تفعيل	فعل	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
مفاعلة	فاعل	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
إفعال	أفعل	يُفَعِّلُ	أَفَعَّلَ

۱- دانش آموز باید وزن های این جدول را حفظ کند.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهُ: همانند شو	تَشَابُهُ: همانند شدن
فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيحُ: شاد کردن
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالِسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاجُ: بیرون آوردن

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

ترجم الأفعال.

ماضی	مضارع	تَعَامَلُ:	يَتَعَامَلُ:
امر	مصدر	تَعَامَلُ:	تَعَامَلُ: داد و ستد کردن
ماضی	مضارع	عَلَّمَ:	يُعَلِّمُ:
امر	مصدر	عَلَّمَ:	تَعَلِيمُ: یاد دادن
ماضی	مضارع	كَاتَبَ:	يُكَاتِبُ:
امر	مصدر	كَاتَبَ:	مُكَاتَبَةٌ: نامه نگاری کردن
ماضی	مضارع	أَجْلَسَ:	يُجْلِسُ:
امر	مصدر	أَجْلَسَ:	إِجْلَاسُ: نشان دادن

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جِوَارٌ
(في صَالَةٍ التَّفْتِيشِ بِالْجَمَارِكِ^٢)

شُرْطِي الْجَمَارِكِ	الزَّائِرَةُ
إجلبني هذه الحقيبة إلى هنا.	على عيني، يا أخي، ولكن ما هي المشكلة؟
تفتيش بسيط.	لا بأس.
عفوًا؛ لمن هذه الحقيبة؟	لأسرتي.
افتحها من فضلك ^٣ .	تفضل، حقيبتي مفتوحة للتفتيش.
ماذا في الحقيبة؟	فرشاة الأسنان والمعجون والمنشفة والملابس...
ما هذا الكتاب؟	ليس كتابًا؛ بل دفتر الذكريات ^٤ .
ما هذه الحبوب؟	حبوب مهدئة، عندي صداع.
هذه، غير مسموحة.	ولكن أنا بحاجة إليها جدًا.
لا بأس.	شكرًا.
اجمعها واذهبي.	في أمان الله.



١- صالَة: سالن ٢- جَمَارِك: گمرک ٣- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ٤- ذِكْرِيَات: خاطرات

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- رَئِيسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.
- ٢- تَعَرَّفُ الْبَعْضُ عَلَى الْبَعْضِ الْآخِرِ.
- ٣- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ.
- ٤- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةِ.

التَّمرينُ الثَّاني: اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- ذَاكَ وَجَعُ فِي الرَّأْسِ تَخْتَلِفُ أَنْوَاعُهُ وَ أَسْبَابُهُ.
- ٢- الْفُرْشَاءُ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا.
- ٣- الْبَقَعَةُ أَدَاةٌ لِنَتْنِيفِ الْأَسْنَانِ.
- ٤- الْأُصْدَاعُ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.
- ٥- الْمُحِيطُ

التَّمرينُ الثَّالثُ: ضَعْ فِي الْفُرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

ذِكْرِيَاتٍ / سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / قَائِمَةٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

١- جَوَالَ تَفْرُغُ^١ بَطَارِيَّتُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

٢- زُمَّلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ

٣- كَتَبْتُ السَّفْرَةَ الْعِلْمِيَّةَ.

٤- لَا تَعْبُدُوا اللَّهَ أَحَدًا.



١- تَفْرُغُ: خَالِيَ مِنْ شُود

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ...)

١- ... الزَّرَافَةَ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاجِلَ؟

٢- ... مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

٤- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قَشِرِهِ؟



الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ: تَرَجِمَ الْآيَاتِ وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا. ۞ نَوْرُ السَّمَاءِ ۞

١- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٢

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٧

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِرٍ: ٥٥

٤- ﴿وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الْإِسْرَاءُ: ١٠٥

٥- ﴿قَالَ إِنِّي أَغْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ٣٠



الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يُحَاوِلُ»: تَحَوَّلَ حَوَّلَ حَاوَلَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «حَدَّرَ»: يُحَادِرُ يَحْدِرُ يُحَدِّرُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ»: تَقَاعُدُ تَقْعِيدُ إِقْعَادُ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تُرْسِلُ»: أَرْسِلُ أُرْسِلُ أَرْسَلَ
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تُقَبِّلُونَ»: لَا تُقَابِلُوا لَا تُقَبِّلُوا لَا تُقَبَّلُوا
- ٦- الْمُضَارِعُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: يُعَلِّمُ يَتَعَلَّمُ يَعْلَمُ
- ٧- الْمَصْدَرُ مِنْ «اعْتَرَفَ»: تَعْرُفُ تَعَارُفُ اعْتِرَافُ



عَيْنَ تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ فِي الْآيَاتِ.

۱- ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ

قالوا سَلَامًا﴾ الْفُرْقَان: ۶۳

و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام برمی‌دارند و هرگاه نادان‌ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام می‌گویند.

۲- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هُود: ۱۱۴

بی‌گمان خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد.

۳- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ الْأَعْرَاف: ۴۳

ستایش از آن خدایی است که ما را به این [نعمت‌ها] رهنمون ساخت؛ و اگر خدا راهنمایی‌مان نکرده بود، [به اینها] راه نمی‌یافتیم.

۴- ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ الْقَصَص: ۲۴

پروردگارم، من بی‌گمان به آنچه از خیر برایم فرستادی، نیازمندم.

۵- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الرَّعْد: ۲

آگاه باش که با یادِ خدا دل‌ها آرام می‌گردد.

۶- ﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ الْقَصَص: ۷۷

نیکی کن همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است.



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنِ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).
أَرْسَلْنَا . اِنْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرُوا . اِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ

The screenshot shows a software interface for Quranic study. At the top, a title bar reads "نرم افزار قرآنی". Below it, a large, ornate frame contains the following text in Arabic:

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَأِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّٰ فَأِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾ وَأَتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

سُورَةُ الْأَنْعَامِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّكْبَةُ أَحْكَمَتْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَمُفْضِلٌ مِّنْ لَّدُنْ حَكِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١﴾

On the right side of the interface, there are several control buttons and a search bar. The search bar contains the text "شأنی الراتعی". Below it, there are buttons for "هماری" and "درباره ما". At the bottom right, there are buttons for "قرآنت آیه", "مکت", and "خروج".

الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْعَنْكَبُوت: ٢٠
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد.

﴿ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ ﴾ لقمان: ١١

﴿ الْعَوَّاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحَوَّلَ ظَلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْعَوَّاصُونَ التِّقَاطَ صَوْرٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟



رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ».

﴿ إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتئمَ.

﴿ إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا

الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ

لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِئِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

﴿ إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعَجَّةِ خَاصَّةً بِهَا،

تَمْلِكُ لِعَجَّةٍ عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا،

فَلِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحْذِرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا

عَنْ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.





لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنَبِهَا تَحْتَوِي
زَيْتًا خَاصًّا تَنْشُرُهُ عَلَى جِسْمِهَا فَلَا يَتَأَثَّرُ جِسْمُهَا بِالْمَاءِ.



تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا
فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ
تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تَعْوِضُ هَذَا النِّقْصِ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا
فِي كُلِّ جِهَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِئْتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



«دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ: بی آنکه حرکت بدهد»
 ذَنْبٌ: دُم «جمع: أذْنَابٌ»
 زَيْتٌ: روغن «جمع: زُيُوتٌ»
 سَائِلٌ: مایع
 ضَوْءٌ: نور «جمع: أَضْوَاءٌ»
 ظَلَامٌ: تاریکی
 عَوَّضٌ: جبران کرد
 قِطٌّ: گربه
 لَعِيقٌ: لیسید
 مُضِيٌّ: نورانی
 مُطَهَّرٌ: پاک کننده
 وَقَايَةٌ: پیشگیری
 مَلَكٌ: مالک شد، فرمانروایی کرد
 يَسْتَطِيعُ: می تواند = يَقْدِرُ
 يَسْتَعِينُ بِ: از ... یاری می جوید
 يَنْبَغِثُ: فرستاده می شود

إِنَارَةٌ: نورانی کردن
 بَرِّيٌّ: خشکی، زمینی
 نَبَاتَاتٌ بَرِّيَّةٌ: گیاهان صحرایی
 بَطٌّ، بَطَّةٌ: اردک
 بَكْتِيرِيَا: باکتری
 بَوْمٌ، بَوْمَةٌ: جغد
 تَأَثَّرٌ: تحت تأثیر قرار گرفت
 تَحْتَوِي: در بر دارد
 تَحَرَّكَ: حرکت کرد
 تَنْشُرُ: پخش می کند
 جُرْحٌ: زخم
 حَرَكٌ: حرکت داد
 حَوَّلَ: تبدیل کرد
 حِرْبَاءٌ: آفتاب پرست
 دَلٌّ: راهنمایی کرد
 دُونَ أَنْ: بی آنکه

إِنْتَعَدَ: دور شد
 «حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود»
 اِتِّجَاهٌ: جهت
 أَدَارٌ: چرخاند، اداره کرد
 «أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»
 أَنْ تَرَى: که ببیند
 اِسْتَفَادَ: بهره بُرد
 «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»
 إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر
 أَعْشَابٌ طِبِّيَّةٌ: گیاهان دارویی
 «مفرد: عُشْبٌ طِبِّيٌّ»
 أَفْرَزَ: ترشح کرد
 اِلْتِمَامٌ: بهبود یافت
 «حَتَّى يَلْتَمِمْ: تا بهبود یابد»
 اِلْتِقَاطٌ صَوْرٍ: عکس گرفتن
 اِمْتِلَاكٌ: مالکیت، داشتن

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ x

- ۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيَّةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.
- ۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.
- ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبَوْمَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

اعلموا

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الْأَسْمِيَّةُ»

به جمله «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» «جمله فعلیه» گفته می‌شود؛ زیرا با فعل شروع شده است.
فعل فاعل مفعول

الگوی جمله فعلیه این است:

فعل «يَغْفِرُ» + فاعل «اللَّهُ» + گاهی مفعول «الذُّنُوبُ»

فعل، کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.
فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

دو جمله «اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» و «اللَّهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ.» با اسم شروع شده‌اند. به چنین جمله‌هایی «جمله اسمیه» گفته می‌شود.

الگوی جمله اسمیه این است:

مبتدا «اللَّهُ» + خبر «يَغْفِرُ و غَافِرُ».

مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی هستند.

مبتدا، اسمی است که در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا خبری می‌دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می‌کند.

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَالْإِسْمِيَّةِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ^١.

١- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ التَّوْر: ٣٥ خدا برای مردم مثلها می زند.

٢- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ عُصَّةً. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ از دست دادن فرصت اندوه است.

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضافٌ الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورُ^٢ الْأَحْرَارِ^٣ قُبُورُ الْأَسْرَارِ. سینه‌های آزادگان گورهای رازهاست.

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ أَشْجَارَ التَّفَّاحِ. کشاورزِ کوشا درختان سیب می کارد.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ وَالْفَاعِلِ وَالْمَفْعُولِ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

١- الْحَسَدُ يَا كُلُّ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- تَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١- منظور از «عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضافٌ الیه، صفت و ...

٢- صُدُور: سینه‌ها ٣- أحرار: آزادگان ٤- قَسَمَ وَ قَسَمَ: تقسیم کرد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جَوارُ مَعَ سائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ

السَّائِحُ	سائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ
أَيُّهَا السَّائِقُ، نُريدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.	أنا في خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.
كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟	أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كيلومتراً. عَجيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟
لِزِيَارَةِ مَرَقِدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طاقِ كِسرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!	لأنَّهُ لا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الرُّؤُورِ.
في الْبِدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدِينِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفَ وَ سَامِرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةَ.	زِيارَةُ مَقْبُولَةٌ لِلْجَمِيعِ! أ تَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لا؟
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.	أَحْسَنْتُ! ^١ وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَن طاقِ كِسرَى؟
بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ ^٢ شاعِرانَ كَبيرانَ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوانَ كِسرَى: الْبُحْتَرِيُّ مِنَ الْكَبَرِ شُعراءِ الْعَرَبِ، وَ خاقانِيُّ، الشَّاعِرُ الْإيرانيُّ.	ماشاء اللهُ! بارَكَ اللهُ فِيكَ! ^٣ مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!



١- أَحْسَنْتُ: آفرین ٢- قَدْ أَنْشَدَ: سروده است ٣- بارَكَ اللهُ فِيكَ: آفرین بر تو

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَيَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.

٢- عُضْوٌ خَلَفَ جِسْمَ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِباً لِطَرْدِ الْحَشْرَاتِ.

٣- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.

٤- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ.

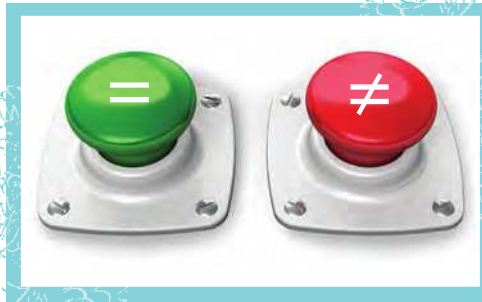
٥- عَدَمٌ وَجُودِ الصَّوِّءِ.

٦- نَشْرُ النُّورِ.



التمرين الثاني: عيّن الكلمات المترادفة والمُتضادة. = ≠

سَلْم حَرْب	إِسْتِطَاعَ قَدِرَ
إِحْسَان إِسَاءَة	إِقْتَرَبَ ابْتَعَدَ
ظَلَام ضِيَاء	بَنَى صَنَعَ
نُفَايَة زُبَالَة	عَدَاوَة صَدَاقَة
حُجْرَة غُرْفَة	غَيْم سَحَاب
قُرْب بَعْد	يَنْبوع عَيْن
مِن فَضْلِكَ رَجَاء	فَرِح حَزِن
جَاهِز حَاضِر	غُصَّة حُزْن



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

البَطُّ / الكِلَابِ / الغُرَابُ / الطَّاوُوسِ / الحِرْبَاءُ / البَقْرَةُ



دَنْبٌ جَمِيلٌ.



يُرْسَلُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.



تُعْطِي الْحَلِيبَ.

الْمُضَافُ إِلَيْهِ:

الْمَفْعُولُ:

الْفَاعِلُ:



طَائِرٌ جَمِيلٌ.



الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِ.....



ذَاتُ عَيْونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

الْخَبَرُ:

الْمُبْتَدَأُ:

الصِّفَةُ:



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمَلَوْنَةِ.

- ١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ^١ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ٢٦
- ٢- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ الأعراف: ١٨٨
- ٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَبِيَّ خَلَقَهُ﴾ يس: ٧٨
- ٤- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الكهف: ٤٩
- ٥- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ^٢﴾ البقرة: ١٨٥

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

- ١- التَّدَمُّ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِّ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٢- أَكْبَرُ الْحُمُقِ^٥ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالنَّدَمُ^٦. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٣- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٤- أَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ^٧. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- سَكِينَةٌ: آرامش ٢- صَرَ: زيان ٣- يُسْر: آسانی ٤- نَدَم: پشیمانی ٥- حُمُق: نادانی ٦- دَم: نکوہش

٧- قَيْد: بند

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ البقرة: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ٢٨٦

٣- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ . الْإِمَامُ عَلِيُّ ع

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ . الْإِمَامُ عَلِيُّ ع

❁ كَمَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ. ❁

۱- ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۸۵

هر کسی چشندۀ است. (می میرد)

۲- ﴿... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

و درباره آسمان ها و زمین ؛

۳- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

[و می گویند:] ای پروردگار ما، اینها را بیهوده ؛

۴- ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

تو پاکی؛ ما را از شکنجۀ نگاه دار؛

۵- ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای، و ، هیچ

..... ندارند؛

۶- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾

ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را که به ایمان

دعوت می کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما

آلِ عِمْرَانَ: ۱۹۳-۱۹۱



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرِ عِلْمِي بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمَهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ،
مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



بُحَيْرَةُ زَرِيْبَارِ فِي مَدِيْنَةِ مَرْيَوَانَ بِمُحَافَظَةِ كُرْدِسْتَانَ

الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ

مِنْهُ ذِكْرًا﴾ الْكَهْفُ: ٨٣

و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند، بگو یادی از او بر شما

خواهم خواند.

كَانَ ذَوِ الْقَرْنَيْنِ مَلِكًا عَادِلًا مَوْحِدًا قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ، وَ كَانَ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً.
ذَكَرَ اسْمُهُ فِي الْقُرْآنِ.

﴿لَمَّا اسْتَقَرَّتْ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ، سَارَ مَعَ جِيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ
الْغَرْبِيَّةِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفَسَادِ. فَكَانَ النَّاسُ يُرْحَبُونَ بِهِ فِي
مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقٍ
فِيهَا مُسْتَنْقَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيهَةٍ. وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ
فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ. فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ، وَ خَيَّرَهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ
الْفَاسِدِينَ أَوْ هِدَايَتِهِمْ. فَاخْتَارَ ذَوِ الْقَرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ.
فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ.

﴿ثُمَّ سَارَ مَعَ جِيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ. فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَّمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ،
حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّدِينَ، فَدَعَاهُمْ لِلْإِيمَانِ
بِاللَّهِ، وَ حَكَمَهُمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.



﴿ وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ، فَرَأَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ عَظْمَةً جَيْشِهِ وَأَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ، فَأَعْتَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛ لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛ فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛ فَيَخْرِبُونَ بُيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ. لِذَا قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدِّ عَظِيمٍ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ؛ بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السِّدِّ. فَرَحَّ النَّاسُ بِذَلِكَ كَثِيرًا.﴾

أَمَرَهُمْ ذَوَالْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعَهُمَا فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَاصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ. وَ شَكَرَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.



<p>كَانَ ... يُرْحَبُونَ : خوشامد می گفتند</p> <p>كَرِيه : زشت و ناپسند</p> <p>مُحَارَبَةٌ : جنگیدن</p> <p>مُسْتَنْقَعٌ : مرداب</p> <p>مَضِيْقٌ : تنگه</p> <p>نَحَاسٌ : مس</p> <p>نَحْوٌ : سمت</p> <p>نَهَبٌ : به تاراج بُرد</p> <p>وُصُولٌ : رسیدن</p> <p>هَدْيٌ : راهنمایی کرد</p>	<p>جَيْشٌ : ارتش «جمع: جُيُوش»</p> <p>حَدِيدٌ : آهن</p> <p>خَاطَبٌ : خطاب کرد</p> <p>خَرَبٌ : ویران کرد</p> <p>خَيْرٌ : اختیار داد</p> <p>ذَابٌ : ذوب شد</p> <p>رَفَضٌ : نپذیرفت</p> <p>سَارٌ : حرکت کرد، به راه افتاد</p> <p>سَكَنٌ : زندگی کرد</p> <p>كَانَ قَدْ أَعْطَاهُ : به او داده بود</p> <p>كَانَ ... يَحْكُمُ : حکومت می کرد</p>	<p>إِخْتَارَ : برگزید</p> <p>إِسْتَقْبَلَ : به پیشواز رفت</p> <p>إِسْتَقَرَّ : استقرار یافت</p> <p>أَشْعَلَ : شعله ور کرد</p> <p>أَصْلَحَ : اصلاح کرد</p> <p>أَطَاعَ : پیروی کرد</p> <p>إِغْتَنَمَ : غنیمت شمرد</p> <p>إِغْلَاقٌ : بستن</p> <p>بِنَاءٌ : ساختن، ساختمان</p> <p>تَخَلَّصَ : رهایی یافت</p> <p>تَلَا : خواند «أَتَلُو: می خوانم»</p>
--	--	--

x ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- أَمَرَ اللَّهُ ذَا الْقَرْنَيْنِ بِمُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ.
- ۲- سَارَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ مَعَ جُيُوشِهِ نَحْوَ الْجَنُوبِ، يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ.
- ۳- قَبِلَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ الْهُدَايَا الَّتِي جَاءَ النَّاسُ بِهَا.
- ۴- بَنَى ذَوَا الْقَرْنَيْنِ السَّدَّ بِالْحَدِيدِ وَالْأَخْشَابِ.
- ۵- كَانَتْ قَبِيلَتَا يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُتَمَدَّنَتَيْنِ.

اعلموا

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد / می‌زند: زده می‌شود / دید: دیده شد / می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل



ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم

فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل

نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ: شُست ← عَسَلَ: شسته شد / خَلَقَ: آفرید ← خَلَقَ: آفریده شد)

(يَغْسِلُ: می‌شوید ← يَغْسِلُ: شسته می‌شود / يَخْلُقُ: می‌آفریند ← يَخْلُقُ: آفریده می‌شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

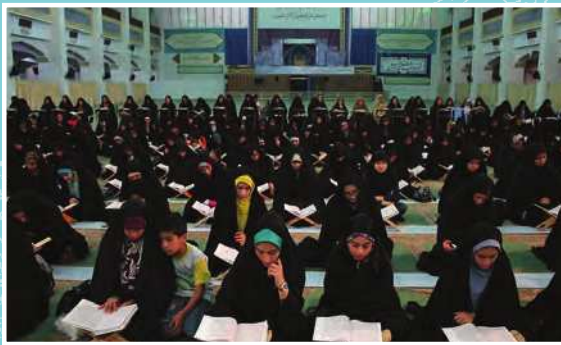
كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يَكْتُبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرَبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يَضْرِبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عَرَفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرِفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: نازل کرد	أَنْزَلَ: نازل شد	يُنْزِلُ: نازل می‌کند	يُنْزِلُ: نازل می‌شود
اسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	اسْتَخْدَمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد	يَسْتَخْدِمُ: به کار گرفته می‌شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا ببینید.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الآيَاتِ الْمُبَارَكَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

١- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ [الاعراف: ٢٠٤]



٢- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ﴾ [الرحمن: ٤١]

٣- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ٢٨]

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار (مَعَ مَسْئُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

مَسْئُولِ الْإِسْتِقْبَالِ	السَّائِحِ
ما هُوَ رَقْمَ عُرْفَتِكَ؟	رَجَاءً، أَعْطِنِي ^٢ مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.
تَفَضَّلْ.	مِئَتَانِ وَ عِشْرُونَ.
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.	عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.
مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ ثُمَّ يَأْتِي رَمِيلِي بَعْدِي.	لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. مَا هِيَ سَاعَةٌ دَوَامِكَ ^٣ ؟
الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النُّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛ الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرُّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.	مَتَى مَوَاعِدُ ^٤ الْفُطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟
شايٌّ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ ^٥ وَ زُبْدَةٌ ^٦ وَ حَلِيبٌ وَ مَرْبَى الْمِشْمِشِ.	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟
رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ ^٧ .	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ؟
رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ ^٨ بِادِنْجَانٍ.	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟
لَا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ.	أَشْكُرُكَ.



- ١- مَسْئُولِ الْإِسْتِقْبَالِ: مسئول پذیرش ٢- أَعْطِنِي: به من بده ٣- دَوَامِ: ساعت کار ٤- مَوَاعِدِ: وقت‌ها
٥- جُبْنَةٌ: پنیر ٦- زُبْدَةٌ: گره ٧- دَجَاجِ: مرغ ٨- مَرَقِ: خورشید

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- بِمَعْنَى الذَّهَابِ نَحْوَ الضَّيْفِ وَ إِظْهَارِ الْفَرَحِ بِهِ.
.....
- ٢- مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنْ الْجُنُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.
.....
- ٣- مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ زَمَانًا طَوِيلًا.
.....
- ٤- مَكَانٌ بَيْنَ جَبَلَيْنِ.
.....

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

ذَابَ / تَخَلَّصَ / إِخْتَارَ / أَصْلَحَ / هَدَى / مُفْسِدُونَ / رَفَضَ / أُسْكِنُ

- ١- ﴿مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ..... فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
الأنعام: ٥٤
- ٢- ﴿وَ..... مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا﴾ الأعراف: ١٥٥
- ٣- ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ.....﴾ طه: ٥٠
- ٤- ﴿وَيَا آدَمُ..... أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ الأعراف: ١٩
- ٥- ﴿إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَاجُوجَ..... فِي الْأَرْضِ﴾ الكهف: ٩٤

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: عَيْنِ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَسْتَقْبِلُ»: اسْتَقْبَلَ قَبِلَ أَقْبَلَ
- ٢- الْمَضَارِعُ مِنْ «فَرَّقَ»: يَتَفَرَّقُ يَفْتَرِقُ يُفَرِّقُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «أَغْلَقَ»: انْغِلَاقٌ إِغْلَاقٌ تَغْلِيْقٌ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تُعَلِّمُونَ»: عَلِّمُوا أَعْلِمُوا اِعْلَمُوا
- ٥- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: يُشْرِفُ يُضْرَبُ يُلَاحِظُ
- ٦- الْمَجْهُولُ مِنْ يُخْرِجُ: أَخْرَجَ يَخْرُجُ يُخْرِجُ



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

١- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا﴾ ^١ الْحَجَّ: ٧٣

٢- ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ ^٢ الزُّمَر: ١١

٣- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ ^٣ الْبَقَرَة: ١٨٥

٤- تُغَسَّلُ مَلَابِسُ الرِّيَاضَةِ قَبْلَ بَدَايَةِ الْمُسَابَقَاتِ.

٥- يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ.

١- لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا: مگسی را نخواهند آفرید. ٢- مُخْلِصًا: در حالی که خالص گردانیده‌ام.

عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ.

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید آنها خوب بهتر از خودشان باشند؛

۲- ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ﴾
و از خودتان دیگران عیب نگیرید، و به همدیگر

لقب لقب‌های زشت ندهید؛

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به بسیاری از گمان‌ها اعتماد نکنید.
از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید.

۴- ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَّ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

زیرا برخی گمان‌ها گناه زشت است، و جاسوسی نکنید؛ و نباید غیبت دیگران همدیگر کنید؛

۵- ﴿أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾

آیا کسی از شما می‌خواهد دوست می‌دارد که گوشت برادرش را که مرده‌است بخورد بگند ؟ [کاری که] آن را ناپسند می‌دارید.

الْحُجُرَات: ۱۱ و ۱۲

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنِ آيَةٍ أَوْ حَدِيثٍ أَوْ شِعْرٍ أَوْ كَلَامٍ جَمِيلٍ مُرْتَبِطٍ بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.
(الْإِشَارَةُ إِلَى النِّعَمِ الْإِلَهِيَّةِ)



﴿وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾ التَّمَلُّ: ٤٠

الدَّرْسُ السَّابِعُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ، وَفِي الْأَرْضِ
قُدْرَتُكَ، وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ. أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
تو کسی هستی که بزرگی ات در آسمان و توانمندی ات در زمین و
شگفتی هایت در دریاهاست.

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعاً عَنِ الدُّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَاناً مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامدٌ: لا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِداً.

الأبُّ: يا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيباً، لِأَنَّ الدُّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

صَادِقٌ: تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَّفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأبُّ: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ

ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأبُّ: بَلَى؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدُّلْفِينُ أَنْ تُرَشِّدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأمُّ: تُؤَدِّي الدُّلْفِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ

مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعَا؟
الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ
تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُعْنِي كَالطَّيُورِ، وَ
تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفِرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

الْأَبُّ: بِالتَّأَكِيدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْفَرَشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى
سَمَكَةِ الْفَرَشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنُوفِهَا الْحَادَّةِ وَ
تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلَفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرِنْتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى
الْأَعْمَاقِ بِسِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى
بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ
أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.
الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحَرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ:
النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،
وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،
وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.

أَدَى: ایفا کرد، منجر شد
أَرشَد: راهنمایی کرد
أَرَضَعَ: شیر داد
أَعْلَى: بالا، بالاتر
أَنْفَقَ: انفاق کرد
أَنُوفَ: بینی‌ها «مفرد: أَنْف»
أَوْصَلَ: رسانید
بَحَارَ: دریاها «مفرد: بَحْر»
بَكَى: گریه کرد
بَلَغَ: رسید
بَلَى: آری

تَجَمَّعَ: جمع شد
تَيَّار: جریان
جَمَاعِيّ: گروهی
حَادَ: تیز
دَلَفِين: دلفین‌ها
دَوَّرَ: نقش
ذَاكِرَة: حافظه
رَائِع: جالب
سَمَكُ الْقِرْشِ: کوسه ماهی
شَاطِئُ: ساحل «جمع: شَوَاطِئُ»
صَفَّرَ: سوت زد

ضَعْفَ: برابر «ضِعْفَيْنِ: دو برابر»
طَيَّورَ: پرندگان «مفرد: طَيْر»
عَرَفَ: معرفی کرد
عَزَمَ: تصمیم گرفت
عَنَى: آواز خواند
قَفَزَ: پرید، جهش کرد
لَبُونَة: پستاندار
كَذَلِكَ: همین‌طور
مُنْقَذَ: نجات‌دهنده
مَوْسُوعَة: دانشنامه

× ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الدُّلْفِينُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.
- ۲- يُودِّي سَمَكُ الْقِرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.
- ۳- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقَ سَمْعَ الدُّلْفِينِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۴- سَمَكُ الْقِرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.
- ۵- سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوُّ الدَّلَافِينِ.
- ۶- لِلدَّلَافِينِ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ.

إِعْلَمُوا

الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ

در زبان فارسی به حروفی مانند «به، برای، بر، در، از» حروف اضافه و در عربی حروف جر می‌گویند.

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند. مثال: مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ به حرف جر، جَارٌ و به اسم بعد از آن مجرور و به هر دو اینها «جار و مجرور» می‌گویند.

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ:

مِنْ از

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۹۲

تا اتفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الْإِنْسَانِ: ۲۱

دست‌بندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

فِي در

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ الْبَقَرَةِ: ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

النَّجَاهُ فِي الصَّدَقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

إِلَى (إِلَى) به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الإسراء: ١

پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.

﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ

وَشَرَابِكَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۹

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر.»

كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.

عَلَى (عَلَى) بر، روی، به زیان

النَّاسِ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.

الْدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.

الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.

بِ (بِ) به وسیله، در

﴿إِفْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ الْعَلَق: ۳ و ۴

بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ آل عمران: ۱۲۳ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

۱- «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

لِـ ، برای ، از آنِ (مالِ) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النساء: ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست.

﴿لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ﴾. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الكافرون: ۶

دین شما از آنِ خودتان و دین من از آنِ خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

عَنْ ، درباره

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ ...﴾ الشورى: ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد ...

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ...﴾ البقرة: ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

كَـ مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

۲- ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ...﴾ العنكبوت: ۲۰

نونُ الْوَقَايَةِ

در متن درس کلمات «يُحَيِّرُنِي» و «أَخَذَنِي» را مشاهده کردید. وقتی که فعلی به ضمیر «ي» متصل می‌شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر واقع می‌شود. مثال: يَعْرِفُنِي: مرا می‌شناسد. اِرْفَعُنِي: مرا بالا ببر. أَخَذَنِي: مرا بُرد. يُحَيِّرُنِي: مرا حیران می‌کند.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم : ٤٠

۲- اَللّٰهُمَّ اِنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۳- اِنَّ اللّٰهَ اَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَنِي بِاِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۴- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُوْرًا وَّ اجْعَلْنِي صَبُوْرًا وَّ اجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيْرًا وَّ فِي

اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيْرًا. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار (مَعَ مُشْرِفٍ^۱ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ
عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ ^۲ الْغُرْفِ وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟	السَّيِّدُ دِمَشْقِيّ مُشْرِفٌ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ؟
لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.	أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، اسْتَرْح؛ سَأَتَّصِلُ ^۳ بِالْمُشْرِفِ.
مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفَ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ ^۴ .	
مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ	السَّائِحُ
مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!	لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زَمَلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.
سَيَأْتِي عُمَّالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمَشْكَلَاتُ الْأُخْرَى؟	فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ ^۵ مَكْسُورٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشْفٌ ^۶ نَاقِصٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيِّفُ لَا يَعْمَلُ.
نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ ^۷ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَيَّ عَيْنِي.	تَسَلَّمَ عَيْنُكَ!



۱- مُشْرِفٌ: مدير داخلي ۲- تَنْظِيفٌ: پاکیزگی ۳- اتَّصَلْتُ: تماس می‌گیرم ۴- صِيَانَةٌ: تعمیرات ۵- سَرِيرٌ: تخت ۶- شَرَشْفٌ: ملافه ۷- نُصَلِّحُ: تعمیر می‌کنیم

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ X

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.
- ٢- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ يَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.
- ٣- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.
- ٤- الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبِحَارِ وَالْمُحِيطَاتِ.
- ٥- الْأَنْفُ عَضُو التَّنَفُّسِ وَالشَّمُّ^١.
- ٦- الْخُفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.

التَّمرينُ الثَّانِي: صَعِّعِي فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

أُنُوفٌ / دَوْرٌ / قَفَزٌ / بَلَّغْنَا / أُسْرِي / أَسَاوِرٌ / الذَّاكِرَةُ / تَيَّارٌ

- ١- اسْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ مِنْ ذَهَبٍ.
- ٢- كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ هُ بِمَهَارَةٍ بِالْعَةِ.
- ٣- قَالَ الطُّلَّابُ: السَّنَةُ السَّادِسَةَ عَشْرَةَ مِنَ الْعَمْرِ.
- ٤- عَصَفَتْ رِيَا حُ شَدِيدَةً وَحَدَّثَ فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.
- ٥- أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةٍ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النَّسِيَانِ.
- ٦- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جَدًّا مِنْ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّلَاثِ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ.

١- ﴿وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ التَّمَلُّ: ١٩

٢- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٤٧

٣- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرُّهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ. = ≠

ساحِل	بَعْدَ	ضَوْء	أَقْل	كِبَار	بَكِي	أَرْسَلَ	شَاطِئ	صِغَار	بَعَثَ
سَتَرَ	إِسْتَلَمَ	كَتَمَ	فَجَاءَ	دَفَعَ	قَرَّبَ	بَغْتَهُ	أَكْثَرَ	ظَلَام	صَحِكَ

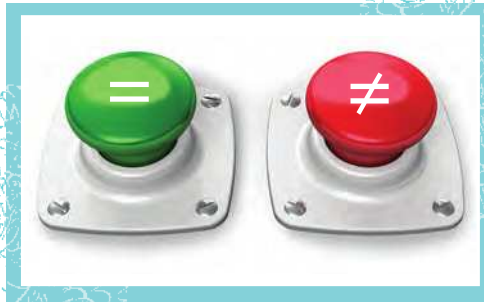
..... =

..... =

..... ≠

..... ≠

..... ≠

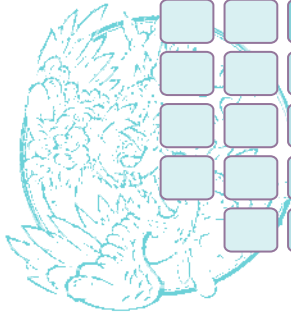


الَّتَمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغَنَّ / صِغَار / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذٌ / مَرَقٌ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طَيُّورٌ / حَادَّةٌ / دَوَّرَ /
لَبُونَةٌ / كَذَلِكُ / جَمَارِكُ / زَيْوتُ / سَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمٌ / تَلَوَّجَ / سَوَارٌ / رَائِحٌ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کوچک‌ها	(۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	این‌طور	(۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تیز	(۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پدیده	(۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سوت زدند	(۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	روغن‌ها	(۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نقش	(۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شنوایی	(۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جالب	(۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نجات‌دهنده	(۱۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نامیدیم	(۱۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبند	(۱۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرم و صمیمی	(۱۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	برف‌ها	(۱۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حافظه	(۱۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پستاندار	(۱۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پرندگان	(۱۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رسانید	(۱۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	باران بارید	(۱۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بخشید	(۲۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می‌رسند	(۲۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ترانه خواندید	(۲۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گریه کرد	(۲۳)



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«.....»

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ: ٤٠

٢- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- تُرَاب: خَاك

عَيْنٌ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَةٌ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ.

۱- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ...﴾

پروردگارا، به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند بده؛

۲- ﴿وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ...﴾

و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار بده؛

۳- ﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾

و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن؛

۴- ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ الشُّعْرَاءُ: ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۸۳

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی‌رسانند؛

۵- ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ الْمَائِدَةُ: ۴۸

در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید.

۶- ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا

تَشْعُرُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۵۴

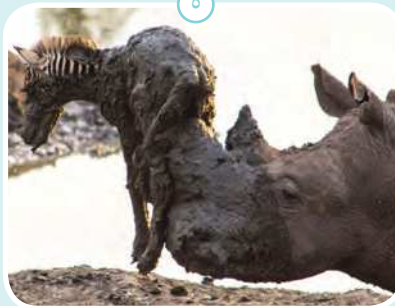
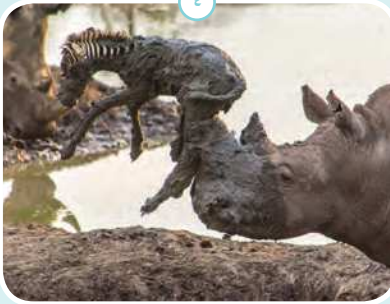
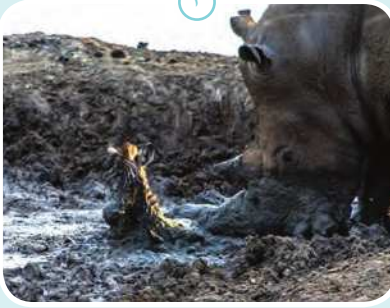
و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مُرده نگوئید،

بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.

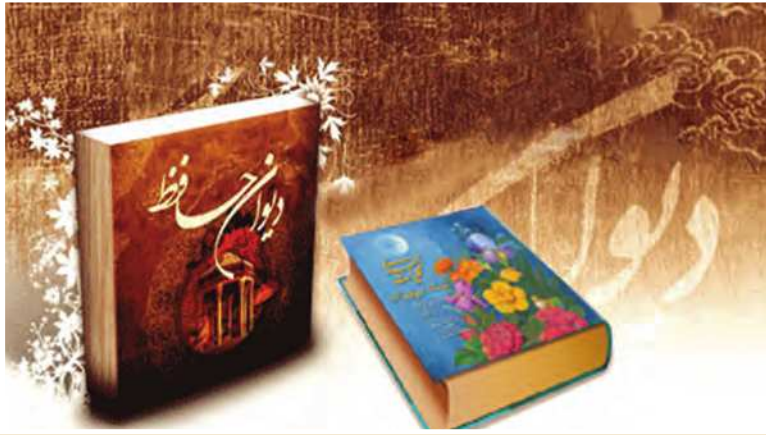


اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَن قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيرَةٍ حَوْلَ حَيَوَانَ،
وَ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ،
ثُمَّ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



الدَّرْسُ الثَّامِنُ



قال رسول الله ﷺ :

جَمالُ المَرْءِ فَصاحَةُ لسانِهِ.
زيبایی آدمی شیوایی گفتارش است.

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ وَ الْأَدْعِيَةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ آيَاتًا مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ؛ لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مَلَمَعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ وَ جَلَالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

مُلَمَّعُ حَافِظِ الشِّيرَازِيِّ لِلسَّانِ الْعَجِيبِ

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَهُ
لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هُذِي لَنَا الْعَلَامَهُ؟
مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَهُ
فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَهُ
وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَهُ
حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكِرَامَهُ^٢

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
هر چند کازمودم از وی نبود سودم
پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا
گفتم ملامت آید گر گرد دوست کردم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین



١- آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟

٢- حافظ همانند خواستاری آمد که جان شیرین بدهد و جامی بستاند، تا از آن جامی از کرامت بچشد.

مُلَمَّعُ سَعْدِي الشِّيرَازِيّ

سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبَاتِهِمْ فِي الْفَلَوَاتِ^۱ تو قدرِ آبِ چه دانی که در کنارِ فُرَاتی
 وَ إِن هَجَرْتَ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ عَدَاتِي شِم به روی تو روزست و دیده‌ام به تو روشن
 مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم
 وَ قَدْ نُقُتَّشُ عَيْنَ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
 جَوَابِ تَلَخِ بَدِيْعِ است از آن دهان نباتی شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد
 وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ سَمَمْتَ رِفَاتِي^۲ فَكَمْ تُمَرَّرُ عَيْشِي وَأَنْتَ حَامِلُ شَهْدِ
 محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را
 وَ صَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
 که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن
 أَحَبَّتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عَدَاتِي وَأَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغِيثُ وَ أَدْنُو
 وَ إِن شَكُوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ^۳ فراقنامه سعدی عجب که در تو نگیرد



- ۱- از انبارهای آب درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس. مصانع آبگیرهایی بودند که مزه گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.
- ۲- اگر خاک قبرم را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.
- ۳- و اگر به پرندگان شکایت برم، در لانه‌ها شیون کنند.

مُجَرَّبٌ : آزموده	شَاءَ : خواست	آتِي، آتٍ : آینده، درحال آمدن
مَحَامِدٌ : ستایش‌ها	شَكْوَتٌ : شکایت کردم «إِنْ شَكَوْتُ:	اسْتَعَاثَ: کمک خواست
مَرَّرَ : تلخ کرد	اگر شکایت کنم»	بَدِيعٌ : نو (برای نخستین بار)
مَصَانِعٌ : آب‌انبارهای بیابان	شَمٌّ : بویید «شَمَمْتُ: بوییدی»	بُعْدٌ : دوری
مَلِيحٌ : با نمک	عَجِينٌ : خمیر	جَرَبٌ : آزمایش کرد
مَمْرُوجٌ : درآمیخته	عُدَاةٌ : دشمنان «مفرد: عادي»	حَلٌّ : فرود آمد
نُحْنٌ : شیون کردند ← نَاخٌ	عَشِيَّةٌ : آغاز شب	ذَاقٌ: چشید
وَدٌّ : عشق	عُدَاةٌ : آغاز روز	دَنَا : نزدیک شد
وَصَفٌ : وصف کرد	فَلَوَاتٌ : بیابان‌ها «مفرد: فلاة»	رَجَا : امید داشت
وَكَنَاتٌ : لانه‌ها	قَدْ تَفَتَّشُ : گاهی جست‌وجو	رَضِيَ : راضی شد
هَامٌ : تشنه و سرگردان شد	می‌شود	رُفَاتٌ : استخوان پوسیده
هَجَرَ : جدایی‌گزید، جدا شد	قُرْبٌ : نزدیکی	رُكْبٌ : کاروان شتر یا اسب سواران
	كَأْسٌ : جام، لیوان	سَلٌ : پیرس (اسأل)

x ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- لَيْسَ لِحَافِظٍ وَ سَعْدِيٍّ مُلَمَّعَاتٍ جَمِيلَةً.
- ۲- يَرَى حَافِظُ الدَّهْرِ مِنْ هَجْرِ حَبِيبِهِ كَالْقِيَامَةِ.
- ۳- يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ حَبِيبِهِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَابًا.
- ۴- يَرَى سَعْدِيٌّ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ سَوَاءً مِنْ هَجْرِ حَبِيبِهِ.
- ۵- قَالَ سَعْدِيٌّ: «مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَا تَأْتِي.»

إِعْلَمُوا

إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالَغَةِ

در دستور زبان فارسی به اسم فاعل، صفت فاعلی و به اسم مفعول، صفت مفعولی می‌گویند.

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارندهٔ حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروه‌اند:

گروه اول بر وزن «فاعل» و «مفعول» هستند که در سال گذشته با آنها آشنا شده بودید.

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
صَنَعَ	صَانِع	سازنده	مَصْنُوع	ساخته شده
خَلَقَ	خَالِق	آفریننده	مَخْلُوق	آفریده شده
عَبَدَ	عَابِد	پرستنده	مَعْبُود	پرستیده شده

اکنون با گروه دوم آشنا شوید.

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهَد	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّد	تقلید کننده	مُقَلَّد	تقلید شده
يُرْسِلُ	مُرْسِل	فرستنده	مُرْسَل	فرستاده شده
يَنْتَظِرُ	مُنْتَظِر	انتظار کشنده	مُنْتَظَر	مورد انتظار
يَتَعَلَّمُ	مُتَعَلِّم	یادگیرنده	مُتَعَلَّم	یاد گرفته شده
يَسْتَخْرِجُ	مُسْتَخْرِج	بیرون آورنده	مُسْتَخْرَج	بیرون آورده شده
يَنْهَاجِمُ	مُنْهَاجِم	حمله کننده	-	-
يَنْكَسِرُ	مُنْكَسِر	شککننده	-	-

با دقت در دو جدول داده شده فرق اسم فاعل و اسم مفعول را بیابید.

گروه اول: فعل‌هایی بود که سوم شخص مفرد ماضی آنها سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن فاعِل و مَفْعول بود.

گروه دوم: فعل‌هایی است که سوم شخص مفرد ماضی آنها بیشتر از سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «مُ» شروع می‌شود. یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.

(اسم فاعل : مُ ...) ، (اسم مفعول : مُ ...)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَالدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَاسْمَ الْمَفْعُولِ.

اسْمُ الْمَفْعُولِ	اسْمُ الْفَاعِلِ	الَّتَرْجَمَةُ	الْكَلِمَةُ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يُعَلِّمُ : یاد می‌دهد مُعَلِّمٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يَعْلَمُ : می‌داند عَالِمٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	اقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد مُقْتَرِحٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يُجَهِّزُ : آماده می‌کند مُجَهِّزٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ضَرَبَ : زد مَضْرُوبٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد مُتَعَلِّمٌ

يا صَانِعِ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رازِقِ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ.

مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

اسم مبالغه بر بسياري صفت يا انجام دادن کار دلالت دارد و بر وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَةٌ» است؛ مانند

عَلَّامَةٌ (بسیار دانا)؛ فَهَّامَةٌ (بسیار فهمیده)؛ صَبَّارٌ (بسیار بُردبار)؛ غَفَّارٌ (بسیار آمرزنده)؛ كَذَّابٌ (بسیار دروغگو)؛ رَزَّاقٌ (بسیار روزی دهنده)؛ خَلَّاقٌ (بسیار آفریننده)

گاهی وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَةٌ» بر اسم شغل دلالت می کند؛ مانند خَبَّازٌ (نانوا)؛ حَدَّادٌ (آهنگر) گاهی نیز بر اسم ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می کند؛ مانند فَتَّاحَةٌ (در بازکن)؛ نَظَّارَةٌ (عینک)؛ سَيَّارَةٌ (خودرو)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيبَ التَّالِيَةَ.

.....: ﴿أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ﴾: ﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾

.....: ﴿الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾: ﴿هُوَ كَذَّابٌ﴾

.....: ﴿حَمَالَةٌ الْحَطْبِ﴾: ﴿الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ﴾

.....: ﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾: ﴿الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ﴾

.....: رَسَامُ الصُّورِ:: فَتَّاحَةُ الزُّجَاجَةِ:

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جِوَارُ

(شراء شَرِيحَةَ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ)

مُوظَّفُ الْإِتِّصَالَاتِ ^٢	الرَّائِزَةُ
تَفَضَّلِي، وَ هَلْ تُرِيدِينَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ ^٣ ؟	رَجَاءً، أَعْطِنِي شَرِيحَةَ الْجَوَالِ.
تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَشْحَنِي رَصِيدَ ^٤ جَوَالِكِ عَبْرَ الْإِنْتِرْنِتِ.	نَعَمْ؛ مِنْ فَضْلِكَ أَعْطِنِي بِطَاقَةَ بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ رِيَالًا.
تَشْتَرِي الرَّائِزَةُ شَرِيحَةَ الْجَوَالِ وَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ وَ تَضَعُ الشَّرِيحَةَ فِي جَوَالِهَا وَ تُرِيدُ أَنْ تَتَّصَلَ وَلَكِنْ لَا يَعْمَلُ الشَّحْنُ، فَتَذْهَبُ عِنْدَ مُوظَّفِ الْإِتِّصَالَاتِ وَ تَقُولُ لَهُ:	
أَعْطِنِي الْبِطَاقَةَ مِنْ فَضْلِكَ. سَامِحِينِي ^٥ ؛ أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ ^٦ . أُبَدِّلُ ^٧ لَكَ الْبِطَاقَةَ.	عَفْوًا، فِي بِطَاقَةِ الشَّحْنِ إِشْكَالًا.



١- شَرِيحَةُ: سيم‌کارت ٢- اِتِّصَالَات: مخابرات ٣- شَّحْن: شارژ کردن ٤- رَصِيد: شارژ ٥- سَامِحِينِي: مرا ببخش
٦- أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ: حق با توست ٧- أُبَدِّلُ: عوض می‌کنم

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ X

١- الْكَاسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّيْءُ أَوْ الْقَهْوَةُ.

٢- يُمَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ.

٣- الرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.

٤- عُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ جَمِيلَةٌ.

٥- يُصَنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

الْقَلَوَاتِ / بُعْدُ / وَدُّ / مَصَانِعُ / بَدَلُ / فَتَّشَ / اللَّيْلِ / يَرْضَى

١- الْغَدَاةُ بَدَايَةُ النَّهَارِ وَالْعَشِيَّةُ بَدَايَةُ

٢- رَأَيْنَا الشَّاطِطَ عَن عَبَّرَ الطَّرِيقَ.

٣- رَجَاءٌ هَذَا الْقَمِيصُ؛ لِأَنَّهُ قَصِيرٌ.

٤- فِي لَا تَعِيشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ.

٥- الشَّرْطِيُّ حَقَائِبَ الْمُسَافِرِينَ.

٦- أَخِي قَانِعٌ، بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ.

يا عَلَامَ الْغُيُوبِ: يا سَتَّارَ الْغُيُوبِ:

يا غَفَّارَ الذُّنُوبِ: يا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ:

يا سَامِعَ الدُّعَاءِ: يا غَافِرَ الْخَطَايَا:

يا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

يا حَايِرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ: يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

١- الرُّكْبُ ○ اِبْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ.

٢- الْكِرَامَةُ ○ هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.

٣- الْوَكْرُ ○ زَيْتَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرَأَةِ.

٤- الْهَجْرُ ○ شَرَفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِرَّةٌ النَّفْسِ.

٥- السَّوَارُ ○ بَيْتُ الطُّيُورِ.

٦- الْمَلِيحُ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(اسْمُ الْفَاعِلِ).....

٢- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ).....

٣- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٤- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ).....

٥- كَانِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ، وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(اسْمُ الْفَاعِلِ، وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ).....

أَتَمِّرِينَ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُؤَوَّنَةِ.

١- ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ التَّمَلُّ : ٦٥

٢- أَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فَضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- أَلْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



٤- تَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

٥- زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

۱- ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾

و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت ، و هنگامی که می بخشایند.

۲- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾

و کسانی که [خواستۀ] را برآوردند و برپا داشتند؛

۳- ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾

و در میان آنها مشورت هست؛

۴- ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾

و از آنچه به روزی دادیم انفاق می کنند.

۵- ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾

و هرگاه به آنان ستم شود، یاری می جویند؛

۶- ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾

و سزای بدی، بدی است؛

۷- ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾

پس درگذرد و اصلاح کند، پاداش او بر [عهدۀ] خداست؛

۸- ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾

زیرا او ستمگران را الشوری: ۳۷ إلى ۴۰

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللِّقَاءِ ،
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظْكُمْ اللَّهُ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .

